

۱۳

۱۷۴



ص ۱۷۴

اخلاق در قرآن

محمد هادی سجادی

گردنه سخت و دشوار

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُّ رَقَبَةٍ * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ * ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ. (بلد: ۱۱-۱۷)

ولی نخواست از گردنه (عاقبت نگری) بالا رود و توجه دانی که آن گردنه سخت چیست؟ بنده‌ای را آزاد کردن یا در روز گرسنگی طعام دادن به یتیمی خویشاوند یا بینوایی خاک نشین. افزون بر این، از شمار کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند.

۴۵۵

در آیاتی پیش از این، خداوند خلقت انسان و نعمت‌هایی را که به او ارزانی داشته و وی را به دوراه خیر و شر آشنا کرده است، یادآور می‌شود و اکنون این آیات الهی ناسپاسی انسان در برابر آن همه نعمت و امکانات را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ؛ این انسان ناسپاس از آن گذرگاه سخت عبور نکرد.» «اقتحام» به معنای عبور و داخل شدن با سرعت و فشار و شدت است و عقبه نیز به معنای سنگلاخی است که به قله کوه منتهی می‌شود.^۱ پس منظور از اقتحام عقبه این است که انسان با انجام دادن اعمالی که توصیه می‌شود، باید از این گذرگاه سخت بالا رود و به قله نجات و رستگاری برسد.

در این آیات، از تکلیف‌هایی که به گردن بندگان خداست، به عنوان عقبه یاد کرده است؛ زیرا انجام دادن این تکلیف‌ها، مخالفت با هوای نفس است و صبر و تحمل لازم دارد، همچون بالا رفتن از گذرگاهی سخت با شیبی زیاد برای رسیدن به قله‌ای بلند. قرآن از بین تکلیف‌ها نیز دو تکلیف مالی را مثال زده است. شاید از این جهت که تکلیف‌های مالی، گران‌تر و سنگین‌تر است.^۲ چه بسا افرادی که نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند، ولی در پرداخت خمس، زکات، کفاره‌ها و آزادکردن بندگان، کمک به نیازمندان و مانند آن، به بهانه‌های مختلف دست می‌آورند تا از زیر بار این تکلیف‌ها شانه خالی کنند.

به راستی، چه چیزی می‌تواند ما را از این گردنه‌های سخت و دشوار به سلامت عبور دهد. یکی از عبوردهندگان، ولایت است. در روایت‌های فراوانی، پذیرفتن ولایت امامان و به دل‌نشاندن محبت آنان، گام نهادن در گذرگاه نجات بخش معرفی شده است. برای مثال در روایتی، ابان بن تغلب می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! معنای این آیه چیست؟ آن حضرت فرمود: کسی که خدا او را به وسیله ولایت ما گرامی داشته، از آن گذرگاه عبور کرده است و ما (ائمه) آن گذرگاه هستیم که کسانی که از آن عبور کنند، نجات می‌یابند. پس امام فرمود: آیا می‌خواهی سخنی به تو بگویم که از دنیا و هر چه در آن است، بهتر باشد؟ گفتم: بلی فدایت شوم. فرمود: خدای متعال که می‌فرماید: «آزاد کردن بردگان»؛ یعنی اینکه همه مردم،

۱. المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲۰، ص ۴۹۰.

۲. محمد جواد مغنیه، الکاشف، ج ۷، ص ۵۶۸.

بنده آتش هستند، مگر تو و دوستانت که خداوند شما را به وسیله ولایت ما از آتش، نجات بخشیده است.^۱

پیام متن:

اعمال نیک و حب ولایت، موجب عبور انسان از گردنه‌های سخت خواهد شد.

برگ عیش

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي. (فجر: ۲۴)

انسان در روز قیامت گوید: ای کاش برای این زندگی، چیزی پیش فرستاده بودم.

انسان‌های ناشنوا و گناه‌کار که بانگ بیدارباش پیامبران را ناشنیده انگاشته و به زندگی چند روزه دنیا دل خوش داشته‌اند، راه درست را در زندگی دنیا نپیموده و به سخنان انبیا عمل نکرده‌اند. پس در روز قیامت، خود را تهی دست و بی سرمایه می‌بینند و جز تمنا و «ای کاش» گفتن راهی ندارند. این آرزو کردن نیز جز حسرت، سودی برای آنها نخواهد داشت و چاره ساز درد آنها نخواهد بود. آنان آرزو می‌کنند که به دنیا برگردند و به خدا و پیامبر ایمان آورند:

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.
(انعام: ۲۷)

[و اگر حال آنها را هنگامی که بر آتش دوزخ باز دارند، مشاهده کنی که در آن حال با نهایت حسرت می‌گویند]: ای کاش به دنیا برمی‌گشتیم و آیات خدا را تکذیب نمی‌کردیم و جزو مؤمنان می‌شدیم.

آنها وقتی در می‌یابند که دیگر راه بازگشتی وجود ندارد و باید تا ابد در آتش و شکنجه بمانند، آرزوی نیستی و مرگ می‌کنند و می‌گویند: «يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ؛ ای کاش مرگ به کار من پایان داده بود». (حاقه: ۲۷). و آن گاه که همه درها را بر روی خود بسته می‌بینند، می‌گویند: ای کاش چیزی برای امروز خود پیش فرستاده بودم؛ یعنی عمل صالح و عبادتی انجام داده بودم یا مالی را در راه خدا خرج کرده بودم که امروز به کارم می‌آمد. زهی خیال باطل که این سخنان، بیهوده است و خدای متعال می‌فرماید: «امروز چنان عذابی می‌بینند که کسی مانند آن را ندیده باشد». (فجر: ۲۵-۲۶)

فراموش نکنیم که:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.

(عنکبوت: ۶۴)

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و به درستی که حیات آخرت، زندگی است اگر بدانند.

با توجه به این آیه، در منطق قرآن، زندگی حقیقی در سرای باقی است و هر کس که طالب سعادت خویش و بهره‌مندی از زندگی راحت و همراه با سرور و رستگاری است، از هم‌اکنون باید تدبیری مناسب بیندیشید و آنچه را برای حیات سعادت‌مندانه در آن سرالازم است، مانند: عمل صالح، طاعت و بندگی خدا و اصلاح عقاید، فراهم آورد و از به‌جا آوردن هیچ‌گونه کار نیک کوتاهی نکند؛ که فردا بسیار دیر است!

و چه خوش سروده است شاعر شیرین سخن شیراز، سعدی:

بیا تا بر آریم دستی ز دل	که نتوان برآورد فردا ز گل
قیامت که بازار مینو نهند	منازل به اعمال نیکو دهند
بضاعت به چندان که آری، بری	وگر مفلسی، شرمساری بری
که بازار چندان که آکنده‌تر	تهی دست را دل پراکنده‌تر

پیام متن:

تأسف شدیدگه کاران به تهی دستی‌شان از اعمال نیک در روز قیامت.

مأموران ثبت اعمال

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كِرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ. (انفطار: ۱۰-۱۲)

و بی‌شک، نگهبانانی بر شما گمارده شده است و الامقام و نویسنده که می‌دانند شما چه می‌کنید.

این سوره افزون بر یادآوری این مطلب که انسان بر کردار خویش آگاه است، اشاره می‌کند که خداوند برای ثبت اعمال بندگان، مأمورانی بر آنها گمارده است. در آیه‌های دیگر از کلام نور نیز

خداوند بارها به این امر تأکید می‌ورزد، از جمله:

إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدًا * مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ.
(ق: ۱۸-۱۷)

چون دو (فرشته) فراگیرنده از چپ و راست او نشسته (اعمالش را) دریافت می‌کنند، هیچ سخنی بر زبان نمی‌آورند، جز اینکه همان دم (فرشته‌ای) مراقب و آماده (ثبت) آن است.

البته ناگفته نماند که مسئله وجود فرشتگان محافظ، نوعی تلقین روانی بازدارنده هم برای انسان دارد. بدین معنا که انسان، با احساس حضور دو فرشته نزد خود، از آنان شرم می‌کند و مرتکب گناه نمی‌شود. وجود آنان نیز تا حدودی از جرئت شیطان برای نزدیک شدن به انسان می‌کاهد.

نکته مهم این است که خداوند، فرشتگان را با صفت کرامت ستود تا انسان به ثبت دقیق اعمال خویش اطمینان یابد؛ زیرا کریم هرگز خیانت نمی‌ورزد و در عمل به وظیفه خویش امانت را رعایت می‌کند. همچنین آنان را دانا و عالم به احوال روحی انسان معرفی می‌کند و اینکه در کار خویش، خبرگی و تخصص کافی دارند و از نیت انسان نیز آگاهند؛ زیرا خوبی و بدی عمل به نیت بستگی دارد. روش اینان در ثبت نیت‌ها نیز این‌گونه است که اگر شخص حتی فقط نیت کار خوب کند، ولی نتواند آن را انجام دهد، برایش ثبت می‌کنند، ولی اگر آهنگ کار زشت کرد، ولی آن را مرتکب نشد، آن را نمی‌نویسند.

«آنان کار نیک را بی‌درنگ ثبت می‌کنند، ولی در صورت مشاهده گناه، فرشته دست راست به فرشته دست چپ می‌گوید: در ثبت این خلاف قدری درنگ کن، شاید عمل نیکویی انجام دهد و آن را جبران کند یا توفیق توبه و استغفار یابد! او نیز تا هفت ساعت از نوشتن خودداری می‌کند و اگر جبران نکرد یا توفیق توبه و استغفار نصیبش نشد، آن را ضبط می‌کند.»^۱

زیباتر از همه اینکه خداوند از روی لطف و عنایت به بنده مؤمن، گاهی ثبت برخی گناهان او را خود بر عهده می‌گیرد و آن را حتی از فرشتگان نگهبان پنهان می‌سازد. چنان‌که

حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل به این امر اشاره دارد:

و كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ.

پروردگارا! تو از پس آن فرشتگان، مراقب من هستی و [نیز] گواه آنچه از ایشان پنهان شده

[است] که با لطف و رحمت خویش آن را نهان ساختی و به فضل آن را پوشاندی.

رندی حافظ نه گناهی است صعب با کرم پادشه عیب پوش

پیام متن:

۱. ثبت اعمال انسان به دست فرشتگان؛
۲. پرده پوشی خداوند از گناهان بندگان.

کپی برابر اصل

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (جائیه: ۲۹)

این نوشته ماست که به حق سخن می گوید؛ زیرا کارهایی که می کردید، می نوشتیم.

در روز قیامت، انسان در دادگاه عدل الهی با پدیده‌ای غیر عادی و در عین حال مطمئن، بازخواست می شود. در این محکمه عدل، اعضا و جوارح به شهادت گرفته می شوند. اعمال تجسم می یابند، زمین اخبار خود را ارائه می کند و در مرحله‌ای، خداوند به وسیله نامه اعمال مردم میان‌شان داوری می کند و خطاب به آنان می فرماید که این است نامه اعمال شما که محتوایش حق و ثابت است و هیچ گونه دروغ و افترا بی در آن راه ندارد و ما با این سند گویا و معتبر، از شما بازجویی می کنیم. شاهدان، اعمال شما را با امانت کامل نگه داشته‌اند و هر چه از شما فاش می سازند، دقیق و مطابق واقع است؛ مانند کپی برابر اصل.

باید بدانیم که «عمل انسان، ثابت و در بستر هستی محفوظ است و فرشتگان از روی آن رونوشت بر می دارند؛ رونوشتی موافق اصل. نه زیادتی در آن هست و نه کاستی. خداوند به فرشتگان و حافظان اعمال دستور داده است که اعمال مردم را حفظ کنند، به مانند کتاب خطی که به وسیله خط یا چاپ، نسخه برداری و تکثیر می شود، بی آنکه تغییری در نسخه‌ها پدید آید»^۱.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ لَهِ مَلَائِكَةً يَنْزِلُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَكْتُبُونَ فِيهِ أَعْمَالَ بَنِي آدَمَ.^۱

خداوند، فرشتگانی دارد که هر روز از آسمان فرود می آیند و اعمال بنی آدم را می نویسند.

فرشتگانی که نه تاریکی مانع نوشتن آنها می شود و نه عاملی اعمال بشر را از آنان مخفی می دارد. از چیزی فروگذار نیستند و حتی نفس هایی را که هنگام گناه و معصیت می کشیدند، به طور دقیق ثبت می کنند.^۲ تا حدی که مجرمان با دیدن نامه اعمال خود از حیرت و شگفتی فریاد بر می آورند:

يَا وَيَلَّتْنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْضَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا. (کهف: ۴۹)

ای وای بر ما! این چه نوشته ای است که هیچ کار کوچک و بزرگی نیست، مگر اینکه آن را ثبت کرده است.

پیام متن:

به جز فرشتگان، موجودات جهان هستی نیز شاهد و ناظر اعمال ما هستند.

شرایط توبه مقبول

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَغَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ. (قصص: ۶۷)

کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، امید است از رستگاران باشد.

از این آیه و آیات دیگر با این مفهوم، معلوم می شود که توبه (به معنای پشیمانی) به تنهایی کافی نیست، خواه توبه از کفر و شرک باشد، خواه توبه از گناه، بلکه توبه زمانی مفید است که فرد افزون بر پشیمانی از کرده خویش، به خدا ایمان آورد و به اصلاح گذشته خود و انجام دادن اعمال صالح بپردازد. همان گونه که در آیه ای دیگر به این امر توجه می دهد و می فرماید: «هر کس که از کردار ناپسند خود توبه کند و به صلاح آید، خداوند توبه او را می پذیرد». (مائده: ۳۹).

۴۴۱

۲. مغنیه الکاشف، ج ۷، ص ۳۱.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۲۸۱.

بنابراین، برای توبه و بازگشت تنها پشیمانی کافی نیست، بلکه باید با شرایطی همراه باشد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرط‌های دقیقی آن را این گونه بیان می‌کند:

برای توبه شش شرط است: اول، پشیمانی از اعمال گذشته؛ دوم، تصمیم به ترک آنها برای همیشه؛ سوم، ادای حقوقی که فرد توبه کننده از مردم ضایع کرده است؛ چهارم، به جا آوردن واجباتی که از او ترک شده است؛ پنجم، اندوه و پشیمانی از گذشته به حدی که گوشت‌های حرام را ذوب کند و ششم، چشاندن سختی عبادت به جسم خود، در عوض لذت گناهان گذشته.^۱

امام خمینی رحمته الله علیه در شرح این حدیث شریف، دو شرط اول را ارکان توبه می‌شمارد. به این معنا که اگر کسی پشیمان نشده و عزم بر ترک نگرفته باشد، توبه نکرده است و شرط سوم و چهارم را شرط قبولی توبه می‌داند و دو شرط آخر را شرط کمال توبه معرفی می‌کنند که اگر آن دو شرط حاصل شد، آثار شرک و گناه از قلب توبه کننده پاک می‌شود و نفس وی تصفیه کامل می‌گردد.^۲

بی شک، همین نوع از توبه است که حکم کیمیا دارد و به خواست خدای تعالی گناهان فرد به ثواب و نیکی تبدیل می‌شود. خداوند در کلامی دیگر از قرآن، ویژگی‌های توابین را بسیار زیبا و گویا به تصویر می‌کشد که در صورت رعایت آنها حتی عمل بد آنان به حسنه تبدیل می‌شود:

إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

(فرقان: ۷۰)

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند. پس خداوند، گناهان چنین افرادی را به نیکی تبدیل می‌کند.

پیام متن:

توبه واقعی تنها به زبان نیست، بلکه به همراه آن جبران گذشته و عزم بر ترک گناه در آینده نیز شرط است.